

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ



دانشگاه تربیت معلم سبزوار

دانشگاه تربیت معلم سبزوار

دانشکده‌ی ادبیات و علوم انسانی

پایان نامه‌ی کارشناسی ارشد رشته‌ی زبان و ادبیات فارسی

عنوان:

مقایسه‌ی روضه‌ی خلد مجلد خوابی و گلستان سعدی

استاد راهنما :

جناب آقای دکتر علی تسنیمی

استاد مشاور:

جناب آقای دکتر احمد خواجه ایم

پژوهشگر :

طاهره شعبانی فر

تابستان ۱۳۸۹ هـ ش

چکیده‌ی فارسی

گلستان سعدی یکی از آثار منثور زبان و ادب فارسی، متعلق به شاعر شیرین سخن شیراز، سعدی شیرازی، در سال ۶۵۶ هجری به رشته‌ی تحریر در آمد. این کتاب ارزشمند دارای نثری سخته و پخته و در موضوعات اخلاقی، اجتماعی و تعلیمی است.

روضه‌ی خلد اثر منثوری است که به تقلید از گلستان سعدی در سال ۷۳۳ هجری به قلم توانای شاعر و نویسنده‌ی بزرگ قرن هشتم هجری، مجدخوافی، نگارش یافته است.

این پایان نامه بر این است که این دو اثر از نظر ساختاری و محتوایی مورد بررسی قرار داده و میزان موفقیت روضه‌ی خلد را در تقلید از گلستان مشخص نماید.

پژوهشگر این مجموعه را در پنج فصل گردآوری نموده است؛ فصل اول درباره‌ی سعدی و گلستان اوست؛ فصل دوم مجدخوافی و روضه‌ی خلد او؛ فصل سوم با توجه به این که این دو اثر نوعی مقامه به شمار می‌روند، درباره‌ی مقامه و مقامه نویسی است؛ فصل چهارم در مقایسه‌ی دو اثر از نظر زیبایی شناسی و دستوری است و در فصل پنجم، روضه‌ی خلد و گلستان از نظر محتوایی مورد بررسی و مقایسه قرار گرفته‌اند. در پایان نیز یک مقایسه‌ی کلی بین دو اثر انجام شده و پس از آن فهرس لازم از جمله فهرست اعلام، اماکن، آیات و احادیث برای غنای کار به پایان نامه افزوده شده است.

واژه‌های کلیدی: گلستان، سعدی، روضه‌ی خلد، مجدخوافی، مقایسه، مقامه.

تقدیم به پیشگاه

روان پاک پدرم

که زلال نگاهش از پس سالها هجرت هنوز در جان آئینه جاری است.

و مادرم؛

به چشمان خسته و نجیبش که مرثیه‌ی سالها مظلومیت، رنج و تنهایی در آن موج می‌زند.

و همسرم؛

همسر بزرگوارم، اسوه صبر و مقاومت و ایثار که با عزم جزمش امید و شوق را در وجودم زنده کرد و موفقیت را برایم به

ارمغان آورد.

و دو شکوفه‌ی زندگی ام؛

رضا و فاطمه

یاد و سپاس

مَنْ لَمْ يَشْكُرْ الْمَخْلُوقَ، لَمْ يَشْكُرْ الْخَالِقَ

خدای مهربان را سپاس گزارم که مرا یاری داد و در پناه لطف بی‌پایان خویش بر این بنده منت نهاد تا بتواند، نگارش و تدوین این اثر ناچیز را به انجام رساند.

برخود لازم می‌دانم که از افرادی که مرا در به انجام رساندن این پایان نامه یاری رسانده‌اند، کمال تشکر را داشته باشم. ابتدا از استاد راهنمای ارجمندم، جناب آقای دکتر علی تسنیمی سپاس‌گزاری می‌کنم، که در طول این دو سال تحصیلی، به ویژه در طول تدوین این پایان‌نامه از راهنمایی‌های ارزشمند و ارزنده‌ی ایشان برخوردار بوده‌ام.

هم‌چنین از استاد مشاور گرامی‌ام، جناب آقای دکتر احمدخواجه‌ایم نیز تشکر می‌کنم. هم‌چنین از استادان گران‌قدر گروه زبان و ادبیات فارسی که در طول این مدت در محضر ایشان درس زندگی آموخته‌ام، و نیز از کارشناس محترم و خوش خلق گروه، جناب آقای خلقی که در طی این سال‌ها، کج خلقی‌های مرا تحمل نمودند، تشکر و قدردانی می‌نمایم.

همین‌طور سپاس‌گزار صبوری‌ها و راهنمایی‌های همسر عزیزم، جناب آقای محمود معصومی هستم که در مدت تدوین این پایان‌نامه، سنگینی بسیاری از مسؤلیت‌های زندگی را به تنهایی به دوش کشیدند.

در پایان از رفیق شفیق و دوست فاضلم سرکار خانم زهرا طحامی سپاس‌گزارم که در این چند سال و نیز در ویرایش این اثر مرا یاری نمودند.

فهرست کلی مطالب

۱.....	چکیده ی فارسی
۱.....	مقدمه
۶.....	فصل اول: سعدی و گلستان او
۳۰.....	فصل دوم: مجدخوانی و روضه ی خلد او
۴۱.....	فصل سوم: مقامه و مقامه نویسی
۵۵.....	فصل چهارم: مقایسه ی گلستان و روضه ی خلد از نظر محتوایی
۱۱۹.....	فصل پنجم: مقایسه ی گلستان و روضه ی خلد از نظر زیبایی شناسی و دستوری
۲۳۱.....	مقایسه ی کلی و نتیجه گیری
۲۳۸.....	فهرست اعلام
۲۴۱.....	فهرست اماکن
۲۴۲.....	فهرست کتب
۲۴۳.....	فهرست آیات
۲۴۵.....	فهرست احادیث و اقوال
۲۴۶.....	فهرست منابع و مأخذ
۲۵۲.....	چکیده ی انگلیسی

فهرست تفصیلی مطالب

أ	چکیده‌ی فارسی
۱	مقدمه
۶	فصل اول
۶	سعدی و گلستان او
۷	سعدی از تولد تا وفات
۱۲	سعدی معلم اخلاق
۱۴	سبک نویسندگی سعدی
۲۰	درباره‌ی گلستان
۲۸	مقلدان گلستان سعدی
۳۰	فصل دوم
۳۰	مجدخوافی و روضه‌ی خلد او
۳۱	مجدخوافی از تولد تا وفات
۳۷	درباره‌ی روضه‌ی خلد
۴۱	فصل سوم
۴۱	مقامه و مقامه نویسی
۴۲	مقامه چیست؟
۵۵	فصل چهارم
۵۵	مقایسه‌ی گلستان و روضه‌ی خلد از نظر محتوایی
۵۶	«در سیرت پادشاهان» = «در اوصاف حکام»
۷۱	«در اخلاق درویشان» = «در بیان ریاضت و احوال فقر»
۸۳	«در عشق و جوانی» = «در عشق و محبت»
۹۰	«در تأثیر تربیت» = «در ادب نفس»

۱۰۰	«در آداب صحبت» = «در بیان صحبت و رفاقت»
۱۱۹	فصل پنجم
۱۱۹	مقایسه‌ی گلستان و روضه‌ی خلد از نظر زیباشناسی و دستوری
۱۲۱	تشبیه
۱۲۹	استعاره
۱۳۳	تشخیص
۱۳۵	مجاز
۱۴۰	کنایه
۱۴۷	مراعات نظیر
۱۵۰	جناس
۱۶۰	سجع
۱۶۷	ازدواج
۱۶۸	تضاد
۱۷۱	تنسیق الصفات
۱۷۴	اعداد
۱۷۶	واج آرایی
۱۷۸	ایهام
۱۸۴	تلمیح
۱۸۷	تقسیم
۱۹۲	تمثیل
۱۹۶	لفّ و نشر
۱۹۸	حسن تعلیل
۲۰۰	تخلّص
۲۰۲	ایجاز
۲۰۷	اطناب
۲۱۲	استناد به آیات و احادیث
۲۱۶	احوال مسند
۲۱۷	احوال مسندالیه

۲۱۹.....	احوال مفعول.....
۲۲۲.....	کاربرد حروف.....
۲۲۶.....	اضافه‌ی اقترانی.....
۲۲۷.....	شناوری ارکان.....
۲۳۱.....	مقایسه‌ی کلی و نتیجه‌گیری.....
۲۳۸.....	اعلام.....
۲۴۱.....	اماکن.....
۲۴۲.....	کتب.....
۲۴۳.....	آیات.....
۲۴۵.....	احادیث.....
۲۴۶.....	فهرست منابع.....

مقدمه

سعدی شیرازی، استاد مسلم ملک سخن، شاعر بزرگ و گران قدر ایران زمین در قرن هفتم هجری می‌باشد. این استاد شیرین سخن که وصف الحالش نزد همهی ادب دوستان شناخته و مشهور است، حدود ۳۰ سال از عمر خود را در مسافرت و تحصیل علم و دانش در حضور بزرگان و اساتید آن روزگار گذرانید. برآیند این سفرهای طولانی، آثار ارزشمندی است که از او به یادگار مانده است.

یکی از خصوصیات مهم سعدی این است که با اطمینان می‌توان گفت که اگر او نبود، حافظ به صورت کنونی وجود نداشت. حافظ در واقع دنباله‌ی طبیعی سعدی است و قدم به قدم در پی اوست. سعدی طوری زمینه را فراهم کرد و سبکی را ایجاد نمود و آن حالت هم آغوشی میان فکر و بیان را به نحوی پدید آورد که فرد دیگری مانند حافظ برحسب اتفاق در همان شهر، صد سال بعد پدیدار شود و شعرش شمع محفل ادب دوستان گردد (ر.ک ندوشن، ۱۳۸۳: ۱۰۴).

یکی از آثار ارزشمند سعدی، *گلستان* است. این کتاب در بهار سال ۶۵۶ هجری نگارش یافت. تلفیق نظم و نثر در *گلستان* و تقسیم آن به ابواب مختلف و مرتبط با طبقات اجتماعی عصر خود و به کارگیری اصطلاحات عامیانه و ضرب‌المثل‌ها، ویژگی‌ها و تشخیص خاصی به نثر او بخشیده که قبل از او سابقه‌ی چندانی نداشت؛ به همین دلیل نویسندگان بسیاری پس از او کوشیدند به پیروی از سبک سعدی آثاری را در این زمینه خلق کنند.

یکی از مقلدان توانا و در واقع از نزدیک‌ترین پیروان *گلستان*، مولانا مجدخوafi است که حدود ۴۰ سال پس از سعدی ظهور کرد. مجدخوafi از شاعران، نویسندگان و عارفان بزرگ ایران زمین در قرن هشتم هجری است. او از معدود شاعرانی است که علی‌رغم به جای گذاشتن اثری ارزشمند و ماندگار، تذکره نویسان و مورخان، کمتر به او پرداخته و اطلاعات ناچیزی از او به دست

داده‌اند. مهم ترین اثر او روضه‌ی خلد است که به تقلید از گلستان سعدی نگارش یافته است و حقیقتاً به خوبی این کار را به انجام رسانده است.

بیان موضوع: «مقایسه‌ی گلستان سعدی و روضه‌ی خلد مجدخوافی» موضوع این پایان نامه است. گلستان شامل ۸ باب و حدود ۱۸۰ حکایت در موضوعات اخلاقی، اجتماعی و تعلیمی است که در سال ۶۵۶ هجری نگارش یافته است. این کتاب نمایشی از اجتماع عصر سعدی است؛ نمایشی حقیقی و گرم و زنده از دنیا. در گلستان انسان با دنیایی سر و کار دارد که حقیقی و واقعی است؛ دنیایی که در آن گل و خار، تلخ و شیرین و نیش و نوش با هم اند، برخلاف بوستان که دنیای آن چه باید باشد هاست؛ دنیایی خیالی و دور از دسترس؛ یعنی همان مدینه‌ی فاضله.

گلستان دنیایی واقعی و این عالم رنگارنگ را همان گونه که هست، مقابل دیدگان ما مجسم می‌کند؛ به عبارتی دیگر در این کتاب هم از فضایل عالی بشری سخن می‌رود و هم از اغراض و تمایلات پست و فرومایه‌ی انسانی؛ از این رو چه بسیار نکته‌های حکمت آمیز و افکار بلند و استوار که در این کتاب مطرح می‌شود.

روضه‌ی خلد متعلق به مولانا مجدخوافی، کتابی است در قالب نثر، که در سال ۷۳۳ هـ به تقلید از گلستان سعدی به رشته‌ی تحریر در آمد. این کتاب دارای ۱۸ باب و ۴۲۰ حکایت در موضوعات تعلیمی، اخلاقی و اجتماعی است. این کتاب علاوه بر حکایات که چند برابر حکایات گلستان است، از حکمت، تمثیل، نکته، قصه، وعظ، خبر، فایده و بیان نیز بهره دارد. ویژگی مهم این کتاب در این است که احادیث و آیات قرآنی در آن جلوه‌ی بسیاری یافته است؛ به طوری که زینت بخش آغاز هر باب حدیثی نبوی است. علاوه بر آغاز باب، احادیث و آیات در جای جای متن نیز گنجانده شده است.

در این پایان نامه سعی بر این است که روضه‌ی خلد به عنوان اثری تقلیدی از گلستان مورد بررسی قرار گرفته و میزان موفقیّت آن در این تقلید نموده شود.

ضرورت انجام و کاربرد نتایج تحقیق: از آن جایی که کتاب *گلستان* از نادر آثاری است که مقبولیتی فرامرزی و فرازمانی یافته و الهام بخش بسیاری از ادیبان و شاعران واقع شده و در ادب فارسی بسیار دارای اهمیت است، لذا هرچه به این کتاب ارزشمند پرداخته شود، باز هم زوایای پنهانی برای تحقیق و بررسی خواهد داشت.

این تحقیق باعث آشنایی بیشتر ادب دوستان با کتاب *روضه‌ی خلد* شده و راه گشای تحقیقات بیشتر در زمینه‌ی کارهای مقایسه‌ای خواهد شد.

سابقه‌ی تاریخی موضوع تحقیق: اصل موضوع که مقایسه‌ی بین دو اثر است، در ادب فارسی و در پایان نامه‌های رشته‌ی زبان و ادب فارسی به وفور یافت می‌شود، اما مقایسه‌ی *روضه‌ی خلد* با *گلستان سعدی*، موضوعی است که در میان پایان نامه‌ها و رساله‌های دانشجویان یافت نشد و قریب به یقین است که کتابی نیز در این موضوع نگارش نیافته باشد.

اهداف تحقیق: با مقایسه‌ی *روضه‌ی خلد* و *گلستان سعدی*، از یک جهت میزان موفقیت این اثر ارزشمند (*روضه‌ی خلد*) که اندکی ناشناخته مانده است، آشکار می‌شود و از سوی دیگر با توجه به این که *روضه‌ی خلد*، علی‌رغم موفقیت بالایی که در این کار تقلیدی کسب کرده، باز هم نتوانسته با *گلستان پهلوی* بزند، این امر آشکار می‌گردد که *گلستان سعدی* در طول قرن‌های متمادی بی‌بدیل بوده و در میان مقلدان بی‌شماری که داشته، هم چون ستاره‌ی ای تابناک می‌درخشد.

سؤالات اساسی تحقیق:

- کتاب *گلستان* به چه سبکی نوشته شده است؟
- *روضه‌ی خلد* به چه سبکی به نگارش درآمده است؟
- وجوه اشتراک *گلستان* و *روضه‌ی خلد* در چیست؟
- وجوه افتراق *گلستان* و *روضه‌ی خلد* در چیست؟

فرضیه ها:

- سعدی نویسنده ای صاحب سبک است. بنابراین گلستان خود را به سبک مخصوص خود، یعنی به شیوه‌ی سهل و ممتنع و براساس اصول مقامه نویسی نگاشته است.
- روضه‌ی خلد، هم چون گلستان نثری فخیم و در عین حال ساده و روان دارد.
- هر دو کتاب سراسر وعظ و اندرز و مباحث تعلیمی، اخلاقی و اجتماعی است.
- این دو اثر از نظر تعداد ابواب، ابیات، حکایات و برخی نکات محتوایی با هم متفاوت‌اند.

بیان روش تحقیق: روش کلی در این پایان نامه، روش کتابخانه ای است. نگارنده، این پایان نامه را طی مراحل زیر به انجام رسانیده است:

- قبل از تصویب پایان نامه، در مرحله‌ی اول، هر دو اثر را از نظر محتوایی مورد بررسی قرار دادم. برای این کار سعی شد با مطالعه‌ی پیاپی دو کتاب، و با انس گرفتن با آن‌ها، کار را آغاز کنم.

- در مرحله‌ی بعدی به بررسی نکات زیبایی شناسی و دستوری دو اثر پرداختم.
- یکی از مراحل کار نیز پرداختن به بحث مقامه و مقامه نویسی بود؛ چرا که این دو اثر گونه ای مقامه محسوب می‌شود.

- مرحله بعدی تهیه‌ی یادداشت از آموخته‌هایم بود که طی سه ماه انجام شد.
- در مرحله‌ی نهایی به تنظیم یادداشت‌ها پرداخته و پایان نامه را به صورت مجموعه ای فراهم نمودم.

نکاتی در مورد پایان نامه:

- به دلیل این که مجدخوافی، شاعری ناشناخته در ادب فارسی است، منابع و مأخذ در مورد او بسیار ناچیز و انگشت شمار است؛ بنابراین اگر فصل دوم، که در مورد مجدخوافی و روضه‌ی خلد اوست، با حجمی کمتر تنظیم و ترتیب یافته است، امید است که خوانندگان عزیز این امر را به حساب کمبود منابع بگذارند، نه قصور و کوتاهی شاگرد خود.

- فصل‌های چهارم و پنجم که بخش اصلی پایان نامه محسوب می‌شوند، با مقدمه ای کوتاه شروع شده اند؛ چرا که در پایان هر مبحث، مقایسه‌ی بین دو اثر در چند سطر توضیح داده شده و گمان می‌رود که نیازی به مقدمه نویسی طولانی و اطاله‌ی کلام نباشد.
 - موارد زیبایی شناسی و دستوری در فصل چهارم برحسب بسامد آن موارد در دو اثر انتخاب شده است.
 - از آن جایی که گلستان، تصحیح دکتر غلامحسین یوسفی و روضه‌ی خلد، تصحیح دکتر وفایی جهت بررسی‌های زیبایی شناسی و محتوایی، مبنای کار نگارنده بوده است؛ بنابراین در نمونه هایی که در فصل‌های چهار و پنج ذکر شده اند، تنها به ذکر نام مؤلف اثر (سعدی یا مجدخوافی) و صفحه‌ی مورد نظر اکتفا شده است. و اگر در برخی موارد از نسخه‌ی دیگری استفاده شده باشد علاوه بر این سال نشر اثر نیز ذکر شده است.
- در پایان، خود بیش از هر کسی به نقایص این کار واقفم و بر خود لازم می‌دانم، اعتراف نمایم که با وجود این که در این راه از هیچ تلاشی مضایقه ننمودم امّا، این ران ملخ را به بارگاه سلیمانیان، روی بردن ندارم. لذا با اذعان به بضاعت مزجاه به حضرت عزیز آوردن، از خوانندگان عزیز انتظار قبول و از اساتید ارجمند امید اغماض و چشم پوشی دارم.

فصل اوّل

سعدی و گلستان او

سعدی از تولّد تا وفات

تولّد

شیخ الامام المحقّق ملک الکلام أفصح المتکلمین ابو محمّد مشرف الدین مصلح، فرزند عبدالله، مشهور به سعدی شیرازی، در سال ۶۰۵ یا ۶۰۶ هـ در شیراز، در خاندانی که از عالمان دین بودند، زاده شد (صفی نیا، ۱۳۸۱: ۱۴۴).

تحصیلات

سعدی از دوران کودکی تحت تربیت پدر قرار گرفت و از هدایت و نصیحت او برخوردار شد؛ ولی در کودکی از پدریتیم شد و ظاهراً تحت تربیت نیای مادری خود، که بنا بر بعضی اقوال مسعود بن مصلح الفارسی، پدر قطب الدین شیرازی، بود، قرار گرفت و مقدمات علوم ادبی و شرعی را در شیراز آموخت.

سعدی بعد از مرگ پدر و محروم شدن از تربیت وی در شیراز تنها ماند؛ اما اتابک سعد کسی نبود که فرزند خدمت‌گزار خود را تنها گذارد. «درسایه‌ی توجّه اتابک، سعدی که بی گمان از همان دوران کودکی بر اثر هوش و ذکاوت پیش رس خود، انگشت نما بود، در سال ۵۹۲ هـ / ۱۱۹۵ م به بغداد رهسپار شد» (ماسه، ۱۳۶۹: ۲۶).

برخلاف عقیده‌ی ماسه که سال ورود سعدی به بغداد را سال ۵۹۲ هـ ق. می‌داند، که البته با توجه به سال تولّد سعدی این نظریه صحیح نمی‌باشد، زرّین کوب سال ۶۲۰ هـ ق. را ذکر کرده، می‌گوید: «سعدی مقارن هجوم مغول به ایران که فارس دچار آشوب و هرج و مرج شد، در سال حدود ۶۲۰ هـ ق. شیراز را به قصد رفتن به بغداد ترک کرد. در بغداد وارد مدرسه‌ی نظامیه شد و با شور و علاقه‌ی فراوان به تحصیل علم پرداخت. در همین زمان بود که زبان عربی را، که زبان علم و مدرسه و وسیله‌ی جلب نظر استادان بود، فراگرفت» (زرّین کوب، ۱۳۸۱: ۱۷).

طبق نظریه‌ی زرین کوب، سعدی در این دوره شعر نیز می‌سرود و آن چه که اکنون به عنوان غزلیات قدیم در میان آثار او به جا مانده است، حاصل سرایش او در بغداد، در طول تحصیل در مدرسه‌ی نظامیه می‌باشد. زرین کوب شعرهای سعدی در این دوره را این گونه توصیف می‌کند: «شعرهایش در این دوره فارسی بود، احیاناً هم تعدادی ابیات عربی بود. شعرهایی ساده، لطیف، عاشقانه و آکنده از احساس و تجربه‌ی شخصی. قطعه‌های کوچک عربی که غالباً چیزی هم از حیات احساسی محیط نظامیه را منعکس می‌کرد و غزل‌های فارسی که از یک عشق واقعی یا یک احساس عاشقانه ناشی از شور و هیجان جوانی حکایت می‌کرد، اما همه چیز آن در ابهام بود. هیچ کس از این که مخاطب شاعر و آن که موضوع این عشق او کیست، بویی نمی‌برد. طالب علمان جوان از شنیدن آن لذت می‌بردند؛ بعضی لب‌هایشان از خنده می‌شکفت و بعضی تا بناگوش سرخ می‌شدند. اما غزل‌ها سرشار از اشاره به زیبایی‌های جسمانی و روحانی بود و کسانی که برای شنیدن آن‌ها پیرامون طالب علم شیرازی جمع می‌شدند، نمی‌توانستند حدس بزنند این‌ها را باید از مقوله‌ی غزل‌های مذکور به شمار آورد، یا مؤنث؟ آن‌ها رایج ذوق عرفانی زودرس، که در آن‌ایام در نظامیه و تمام مدارس بغداد در بین جوانان مورد توجه بود، باید شمرد، یا یک تمرین ساده‌ی شاعرانه؟

این‌ها غزل‌هایی بود که بعدها در مجموعه اشعار این طالب علم جوان، به نام غزلیات قدیم خوانده شد. وی در پایان این غزل‌ها، از خود به عنوان سعدی نام می‌برد» (زرین کوب، ۱۳۸۱: ۱۷).

سعدی در این زمان با مشایخ بزرگ، از جمله شیخ شهاب الدین سهروردی مصاحبت داشته و از محضر ایشان استفاده می‌کرده است، اما چنان که پیداست تابع و فرمانبردار مطلق آنان نبوده است؛ چنان که هر مریدی نسبت به مرید خود باید باشد، بلکه صرفاً از راه مصاحبت و کسب فیض، از محضر آنان برخوردار می‌شده است.

«سعدی در مدت تحصیل خود در بغداد، سفرهای متعددی به حجاز، شام، لبنان، روم و... داشته و سرانجام مقارن سال ۶۵۵ هـ به شیراز بازگشته است» (صفی نیا، ۱۳۸۱: ۱۴۴).

شهرت

به تأیید ادبا و فضلالی ایران زمین که پس از درگذشت سعدی به دنیا آمده اند و مدت‌ها در زمینه‌ی سعدی پژوهی به تحقیق و پژوهش پرداخته اند، سعدی از جمله نویسندگان نادرایران است که در زمان حیات خویش نیز از شهرت عالم گیر برخوردار شد. شهرت و آوازه‌ی بلند او نه تنها ایران زمین، بلکه تمام آسیا را درنوردید و همه جا سخن از سعدی و گفتار شیرین و اشعار بلندپایه‌ی او بود. «چنانکه شهرت او به هند رسیده بود و امیرخسرو دهلوی و حسن دهلوی، از شاعران آن دیار که معاصر سعدی بودند، زبان به ستایش او گشودند و سیف فرغانی که در شهر آق سرای آسیای صغیر می‌زیست، شعر وی را ستوده است» (سبحانی، ۱۳۸۶: ۲۸۱).

سعدی خود نیز به این شهرت عالم گیر خویش آگاهی داشته است؛ چنان که در مقدمه‌ی گلستان می‌نویسد: «ذکر جمیل سعدی که در افواه عوام افتاده است و صیت سخنش که در بسیط زمین منتشرگشته و قصب الجیب حدیثش که همچون شکر می‌خورند و رقعه‌ی منشآتش که چون کاغذ زر می‌برند...» (سعدی، ۱۳۸۷: ۵۱).

شهرتی که سعدی در حیات خود به دست آورد، بعد از مرگش با سرعتی بی سابقه افزایش یافت و او به عنوان یکی از بهترین و بزرگ‌ترین شاعران زبان فارسی شناخته شد و سخن او معیار و محک فصیحان و بلیغان فارسی زبان قرار گرفت

شهرت سعدی را می‌توان معلول چند خاصیت در گفتار او دانست:

نخست این که سعدی زبان فصیح و بیان معجزه‌آسای خود را تنها وقف مدح و یا بیان احساسات عاشقانه نکرد، بلکه بیشتر آن را به خدمت ابناء بشرگماشت و در راه سعادت آدمی‌زادگان به کار برد. دوم آن که او نویسنده و شاعری جهان دیده و سرد و گرم چشیده و آگاه بود. سوم آن که سخن گرم و لطیف خود را همراه با مثل‌ها و حکایت‌های دلپذیر بیان می‌کرد. چهارم آن که در مدح و غزل راهی نو و تازه پیش گرفت. پنجم آن که در عین وعظ و حکمت و هدایت خلق، شاعری شوخ و بذله گو و شیرین بیان بود و خواننده خواه ناخواه مجذوب او می‌شد. بالاتر از همه‌ی این‌ها،

فصاحت و شیوایی کلام سعدی در سخن به پایه‌ای است که واقعاً او را سزوار عنوان سعدی آخرالزمان ساخته است (ر.ک صفا، ۱۳۸۶: ۱۵-۱۱).

بازگشت به شیراز

هنگامی که سعدی در حوالی سال‌های ۶۵۵ هـ به شیراز باز می‌گشت، شیراز در حیطه‌ی قدرت اتابک ابوبکر، پسر سعد زنگی بود، که بعد از پدر در تمام منطقه‌ی فارس به عنوان اتابک فرمانروایی داشت و گاه با خلیفه‌ی بغداد و گاه با مغول سازش می‌کرد، اما به هرگونه بود فارس را با تدبیر و عدالت از هرج و مرج و فتنه‌ای که در آن‌ایام همه جا را فراگرفته بود، ایمن نگاه داشته بود. امنیت فارس در آن سال‌ها به حدی رسیده بود که مردم از همه جا به این دیار می‌آمدند. در این احوال بود که سعدی به شوق دیدار دیار و بازدید از موطنی که سی سال پیش آن را در حال نایمندی و پریشانی ترک کرده بود، روی بدان جا نهاده بود.

سعدی در این هنگام ۵۰ سالی داشت و شاید هم اندکی بیشتر از عمر را پشت سر گذاشته بود، «اما دلش جوان و آکنده از عشق به زندگی بود. از سفرهای دور و دراز خود نه فقط غزل‌های خوب آورده بود، بلکه یادداشت‌ها، اندیشه‌ها و سرگذشت‌های جالب نیز داشت؛ از این رو طولی نکشید که از همین مایه‌ی یادداشت‌ها و سرگذشت‌ها، بوستان، یک منظومه‌ی اخلاق و تعلیم را که خود سعدی نامه خوانده بود، به نام اتابک ابوبکر به نظم درآورد و سال بعد، در همان سالی که بغداد، شهر عشق‌ها و جوانی‌های شاعر شیراز، با خلیفه اش به دست مغول تباه شد، گلستان را پدید آورد. در این زمان شهرت شاعری او بالا گرفته و تقریباً به همه جا رسیده بود» (زرین کوب، ۱۳۷۹: ۸۳).

پایان حیات

سرانجام سعدی به آسایش و آرامش رسید و در خانقاهی واقع در بیرون شهر و نزدیک بقعه‌ی شیخ عبدالله بن خفیف سکنی گزید و از آن جا بیرون نمی‌آمد و با مردم کمتر مراوده داشت اگر به درگاه بزرگان می‌رفت، غالباً برای آن که مگر ستم کاری را از تعدی به مظلومی باز دارد، یا چاره‌ای برای بیچاره‌ای بجوید. البته سنت شاعران را که در مدح، مبالغه و خاکساری و فروتنی را ادب

می‌دانستند، از یاد نمی‌برد، اما گستاخی و بی‌پروایی کم‌نظیری که در نصیحت او بود، او را نزد اهل جاه و حشمت، همواره موجه و موقر جلوه می‌داد. هرچند بر عمر وی می‌گذشت، این خوی عزتی جویی و این حشمت و وقار او نیز می‌افزود. اتابکان سخن او را می‌شنیدند و او نیز آنان را دوست می‌داشت.

«سعدی که در این ایام غالباً در خط زهد و عرفان بود، از غزل سرایی نیز باز نمی‌ایستاد و حتی در روزهای پیری و گوشه‌گیری خود، با دلی که هنوز شور و شوق جوانی را از دست نداده بود، از صحبت جوانان بهره می‌جست و بدین گونه تا پایان عمر چراغ عشق در زاویه‌ی دلش روشن بود» (زرین کوب، ۱۳۷۰: ۲۴۶).

سعدی در بحبوحه‌ی اشتهار از دنیا رفت و شهرتی پایدار از خود به جا گذاشت. «او عاقبت در شیراز در شب سه شنبه ۲۷ ذی‌الحجه سال ۶۹۱ هـ، در حالی که بیش از ۸۰ سال از عمر وی گذشته بود، رحلت کرد و در همان محلّ اقامت خود مدفون شد» (نفیسی، ۱۳۶۳: ۱۶۷/۱) و دیری نگذشت که مرقد او زیارتگاه ادب دوستان شد.

امین احمدرازی در تذکره‌ی خود در مورد ایام زندگانی سعدی می‌نویسد: «گویند صد و ده سال عمر داشته و این ایام را منقسم به سه قسم ساخته بود. قسم اوّل را که سنّ شباب است، صرف تحصیل کرده؛ قسم دوم را به سیاحت و جهان‌گردی به پایان رسانده و اکثر اقالیم سبعه را پی‌سپیر تفرّج گردانیده و قسم سوم را که هنگام ندامت است، بر سجّاده‌ی خدا پرستی نشسته و به اطاعت و ریاضت گذرانیده است» (رازی، ۱۳۷۸: ۲۰۵/۱).

محمدشفیع صداقت نیز دین‌داری و خداپرستی شیخ را چنین توصیف کرده است: «مقام و مرتبت خداشناسی و دینداری سعدی بر کسی پوشیده نبود. وی بدان مرحله‌ی رفیع یزدان‌پرستی نائل آمد که هیچ چیز جز ذات واجب‌الوجود ندیده و جز پروردگار عالمیان را شایسته‌ی تعظیم و کرنش نشناخته و فقط پیشانی در مقام عظیم‌الوهیّت وی به زمین سائیده است.